

تحولات مفهومی امر انقلابی در گفتمان اصلاح طلبی

منصور انصاری

استادیار گروه اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m.ansari51@gmail.com

ناهید همتی نژاد

کارشناس ارشد اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
nahid.hemati@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی تحولات مفهومی امر انقلابی در گفتمان اصلاح طلبی انجام گرفت. برای تبیین معنادار رابطه میان امر انقلابی گری و اصلاح طلبی، از رهیافت نظری لاکلائو و موف استفاده گردید. با رحلت امام خمینی، گفتمان جمهوری اسلامی که با دال‌های اسلام و جمهوریت مفصل بندی می‌شود، راه برای برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت باز شد که نتیجه آن، شکل گیری دو طیف سیاسی رقیب با عنوان «اصلاح طلب» و «اصول گرا» بود. گفتمان اصلاح طلبی، شعارهای انقلاب اسلامی همچون آزادی، مردم سالاری، قانون گرایی، دموکراسی دینی، حقوق بشر و ... را در خود جای داد و با این تفکر که نیاز جامعه ایرانی، داشتن روابط عادلانه و آزاد با همه جهان است، رویکردهای جدیدی را در خود پذیرا گردید. این گفتمان، حول دال مرکزی مردم سالاری و دال‌های شناور جامعه مدنی، توسعه سیاسی، قانون گرایی، آزادی و تساهل شکل گرفت و نظام معنایی را شکل داد که بر اساس آن سعی نمود ساختار معنایی گفتمان اصول گرایان را در هم شکند. در مقابل، اصول گرایان سعی کردند با ایجاد مفصل بندی جدید و افزودن دال‌هایی چون عدالت، امنیت، ارزش‌ها، تهاجم فرهنگی و ... حول دال مرکزی ولایت، نظام معنایی خود را شکل داده و دال مرکزی اصلاح طلبان و دال‌های شناور آن را ساختار شکنی نمایند. گفتمان اصلاح طلبی امکان‌های زیادی برای تحول در جامعه ایجاد کرد، اما نتوانست در مقابل موانع شکل گرفته پیروز شود. هرچند در گفتمان اصلاح طلبی، تغییراتی در عناصر انقلاب اسلامی شکل گرفت، اما این بدان معنا نبوده که امر انقلابی به کل از بین رفته است، بلکه بدان معناست که گفتمان اصلاح طلبی به جای تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون عدالت محوری، به عناصری همچون مردم سالاری، آزادی، توسعه سیاسی و قانون مداری توجه نموده است. در واقع می‌توان گفت که امر انقلابی در گفتمان اصلاح طلبی بر ساخته شده است و تولیدکنندگان گفتمان اصلاح طلبی همواره نقشی تأثیرگذار در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی داشته است.

کلیدواژه‌ها: امر انقلابی، اصلاح، گفتمان اصلاح طلبی، اصول گرایی، لاکلائو و موف.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، تحت هدایت امام خمینی، یک کارزار گسترده را آغاز کرد که هدف آن ساختن جامعه‌ای اخلاقی به عنوان یک الزام شرعی بود و معنای جدیدی به مفهوم امر انقلابی اختصاص داده شد. از وقوع انقلاب اسلامی، دو جریان بزرگ اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در قالب نام‌های مختلف و با رهبری اشخاص گوناگون با یکدیگر به رقابت پرداخته‌اند. جریان اصلاح‌طلبی، ریشه در گرایش‌های تجددگرایانه، توسعه سیاسی دارد و اصول‌گرایی ریشه در سنت‌های اسلامی دارد. در نیمه دوم دهه هفتاد، گفتمان اصلاح‌طلبی شکل گرفت که دال مرکزی آن توسعه سیاسی و دموکراسی بود و از سوی مخالفان و رقبای آنها، با تفسیر و برداشت‌های مختلف روبرو شد. مخالفان سیاسی این گفتمان بر این باور بودند که دو مفهوم انقلابی و اصلاح‌طلبی در تناقض هستند. در مقابل، مولفان و تولیدکنندگان این گفتمان سخت بر این ایده پافشاری می‌کردند که نه تنها اصلاح‌طلبی تعارضی با انقلاب نداشت، بلکه اصلاح‌طلبی در تداوم انقلاب و آرمان‌های آن بود. گفتمان رقیب، اصلاح‌طلبان را به دور شدن از انقلاب و کنش انقلابی متهم کرده‌اند. یکی از معماهای گشوده در علم سیاست، تعارض و حتی تناقض ارزشی دو مفهوم انقلاب و اصلاح است. در واقع با انجام این کار تلاش می‌شود تا به پاسخ مشخصی در خصوص این تعارض نظری دست یابیم. به لحاظ عملی نیز می‌توان به حل و فصل یکی از منازعات سیاسی مهم، میان دو گروه اصلاح‌طلب و اصول‌گرا کمک کرد که در واقع می‌تواند به کاهش منازعات سیاسی دوقطبی شده در کشور کمک کند. با توجه به اینکه اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان را متهم می‌کنند که از امر انقلابی دور شده‌اند، مطالعه حاضر از آن جهت با اهمیت تلقی می‌گردد که آسیب‌شناسی‌های موجود در روند مفهوم انقلابی از دیدگاه اصلاح‌طلبی را فراهم می‌آورد تا زمینه حل تعارض‌ها در این زمینه در کشور فراهم گردد.

در رابطه با مفهوم امر انقلابی و گفتمان اصلاح‌طلبی، علی‌رغم وجود مکتوبات و منابع بسیار، در این خصوص، پژوهشی به بررسی مفهوم امر انقلابی از منظر گفتمان اصلاح‌طلبی و بررسی دیدگاه‌های متعارض نپرداخته است. با وجود این، با بررسی منابع موجود، در این خصوص می‌توان مواردی را مشاهده نمود. امیری، در کتابی تحت عنوان اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده، به بررسی این موضوع پرداخته است که اصلاح‌گرایان نسبت به انقلاب دچار تردید شده‌اند. وی معتقد است که آنها به دنبال گذر از انقلاب و قانون اساسی به شیوه آرام هستند و در پی القای مفاهیمی همچون جامعه مدنی، آزادی و دموکراسی هستند. حاضری و همکاران،

در پژوهشی که نگاشته‌اند به بررسی «گفتمان اصلاح طلبی در ایران» پرداخته‌اند. این پژوهش به لحاظ جامعه‌شناسی سعی داشته است تا گفتمان اصلاح طلبی را به لحاظ سیاسی و گفتمانی مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد. امینی‌نژاد، در پژوهشی به «واکاوی امکان‌ها و امتناع‌های گفتمان‌های اصلاح طلب و اصول‌گرا در گسترش جامعه مدنی» پرداخته است. نتایج پژوهش با استفاده از نظریه لاکلاو و موف نشان داده است که در گفتمان اصلاح طلبی، شاهد گسترش امکانات برای رشد و تثبیت جامعه مدنی بوده‌ایم و امتناعی از طرف گفتمان اصلاح طلبی در جهت رشد جامعه مدنی بروز پیدا نکرده است، درحالی که در گفتمان اصول‌گرایی، امکانی برای رشد و تثبیت جامعه مدنی شکل نگرفت و در راه تثبیت جامعه مدنی، این گفتمان موانع زیادی قرار داد. با توجه به مطالبی که بیان گردید، هدف پژوهش، این است که مواضع و دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان را بررسی کرده و مفهوم امر انقلابی در گفتمان اصلاح طلبی مورد تحلیل قرار گیرد. درواقع در پی بررسی این مورد هستیم که آیا امر انقلابی با اصلاح طلبی سازگاری دارد یا خیر؟ براین اساس، در این پژوهش قصد بر این است تا بر اساس نظریه لاکلاو و موف به این سؤال پاسخ داده شود که مفهوم امر انقلابی در گفتمان اصلاح طلبی دستخوش چه تحول مفهومی شده است؟

تعریف مفاهیم

انقلاب

انقلاب، تنها رویه سیاسی است که ما را مستقیماً و به گونه‌ای پرهیزناپذیر با مسأله بدایت و آغاز روبرو می‌کند. انقلاب، به هر نحو که تعریف شود، به معنای دگرگونی نیست. نقش انقلابی و بی‌سابقه مسأله اجتماعی، از هنگامی در عصر جدید آغاز شد که مردم برای نخستین بار تردید کردند که تنگدستی باید جزئی غیرقابل تفکیک و ذاتی از وضع بشر باشد و تمایز بین عده‌ای اندک که به برکت اوضاع یا به سبب نیروی افزون‌تر یا از راه فریب و تقلب توانسته‌اند از زنجیر فقر رها شوند و توده‌های زحمتکش و فقیر، باید پرهیزناپذیر به شمار آید. این تردید، یا به عبارتی، اعتقاد به اینکه می‌توان نعمت فراوانی را در حیات این دنیا، جانشین لغت کمبود ساخت، منشأ ماقبل انقلابی داشت (آرنت، ۱۳۸۱: ۲۳-۲۵). برای فهم انقلاب‌ها در عصر جدید، تصور آزادی و تجربه آغازگری باید با هم منطبق و مقارن باشند. جایی که این احساس نوآوری وجود داشته باشد و نوآوری نیز با مفهوم آزادی پیوند بیابد، حق داریم از انقلاب صحبت کنیم. انقلاب چیزی بالاتر از یک شورش موفقیت‌آمیز

است. هنگامی می‌توان از انقلاب سخن گفت که دگرگونی به معنای آغازگری باشد و خشونت به منظور تشکیل حکومت به شکلی نو و ایجاد سازمان سیاسی جدیدی به کار رود که در آن رهایی از ستمگری، به قصد استقرار آزادی صورت پذیرد (آرت، ۱۳۸۱: ۳۸-۴۷).

گفتمان

واژه گفتمان را اولین بار داریوش آشوری در مقاله «نظریه غرب‌زدگی و بحران تفکر» در ایران به کار برد (آشوری، ۱۳۶۸: ۴۵۶). از جمله معادل‌هایی که در زبان فارسی برای این مفهوم به کار برده شده است گفتار، سخن، وعظ و خطابه و مقال است (عضدانلو، ۱۳۹۴: ۱۴). از دیدگاهی گفتمان همان زبان، اما در وجه اجتماعی ارتباطی است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۳). میشل فوکو، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، نقش مهمی در توسعه و تکوین این مفهوم داشت و راه ورود آن را از عرصه زبان‌شناسی به حوزه مطالعات سیاسی و اجتماعی هموار کرد (میرزایی و ربانی، ۱۳۹۴: ۴۵-۶۸). هر گفتمانی از مجموعه‌ای از گزاره‌ها تشکیل شده و در این میان، یک گزاره به عنوان دال مرکزی در هسته گفتمان قرار دارد و بقیه گزاره‌ها در اطراف آن آرایش گرفته‌اند. هر گفتمان یک نظام معنایی است و این نظام معنایی با برجسته کردن خود از طریق خلق و تولید خرده گفتمان‌ها، تلاش می‌کند به تمام پدیده‌ها متناسب با دال مرکزی خود، معنا بخشد و با طرد دیگر گفتمان‌ها، غلبه و تسلط گفتمانی خود در جامعه را حفظ نماید. هر نشانه و دال دیگری که وارد این شبکه شده و در آنجا به واسطه عمل مفصل‌بندی، با نشانه‌های دیگر شبکه شود، یک‌وقت است. معنای این نشانه‌ها به علت تفاوتشان با یکدیگر یا جایگاه‌های تفاوت تثبیت می‌شود، در عین حال که هیچ ثبات معنایی قابل تصور نیست. معنای نشانه‌ها یا دال‌های درون یک گفتمان، حول یک نقطه مرکزی به‌طور جزئی تثبیت می‌شود. نقطه مرکزی، نشانه برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند که از آن به دال مرکزی تعبیر می‌شود. از دید لاکلائو و موف، برای درک فضای گفتمانی چیره بر یک جامعه باید به سراغ عوامل درون داد آن رفته و همه شاخص‌های گفتمانی مطرح در آن را مورد توجه قرار داد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۶).

گفتمان اصلاح‌طلبی

برای روشن شدن موضوع انقلابی‌گری و امر انقلابی نیاز است تا مفهوم اصلاح‌طلبی که جایگزینی برای امر انقلابی است، بررسی گردد، چراکه اصلاح‌طلبی در دل انقلابی‌گری

جای دارد. اصلاح عبارت از روش مسالمت‌آمیز و تدریجی کنش‌های سیاسی است. طرفداران لیبرالیسم و غرب‌گرایی، اصلاحات را به معنای تغییرات اساسی در اعتقادات و ارزش‌های سنتی جامعه و گذار به مدرنیسم به کار می‌برند (امیری، ۱۳۸۶: ۱۷۹). چپ‌گرایان اصلاحات را در مقابل معنای لیبرالی آن، به معنای اقدامات گسترده دولت‌های رفاه و مبارزات کارگران برای بالا بردن سطح زندگی به کار می‌برند. می‌توان گفت اصلاحات و اصلاح‌طلبی معنای شفاف و قطعی ندارند و عده‌ای آن را در مقابل فساد برای سامان‌بخشی و تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب و عده‌ای آن را در مقابل انقلاب به معنای رفورم، تغییرات روبنایی، محدود و سطحی دانسته‌اند (امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی، گسستی در تحولات اجتماعی ایران شکل گرفت و رقابت گفتمانی بین گفتمان‌های مختلف شکل گرفت. پس از کسب سازندگی اقتصادی در دوره دوم، توسعه سیاسی در کانون اندیشه نوگرایان دینی قرار گرفت و بدین سان، گفتمان اصلاح‌طلبی شکل گرفت و به گفتمان مسلط در سیاست ایران تبدیل شد (خلجی، ۱۳۸۶: ۲۵). بیان مقولاتی مانند جامعه مدنی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، قانون‌گرایی، مشارکت و توسعه سیاسی و امثال آن با عنوان شاخص‌های این وضعیت جدید مطرح گردید (کاظمی، ۱۳۸۸: ۵۳). یکی از عواملی که موجب شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی شد، پایان رهبری کاریزمایی و نهادینه شدن کاریزما در قالب ولایت‌فقیه بود. چون با نبودن کاریزما، در واقع دال ارشد و معنابخش گفتمان انقلاب اسلامی که به آن هژمونی می‌بخشید، محو شد و به این ترتیب زمینه بروز تناقضات مهیا شد، که در نهایت به شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی منجر گردید. به این ترتیب، گفتمان اصلاحات حول دال مرکزی مردم و با هدف مردم‌سالاری دینی شکل گرفت (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۵۲).

رویکرد نظری

نظریه مجموعه‌ای از نمادهایی است که بنابر منطق به هم مربوط بوده و نشان می‌دهند که درباره رویدادهای جهان چگونه می‌اندیشیم (مارش و استوکر، ۱۳۹۳: ۲۵). هدف بنیادین یک نظریه این است که تا حدی واقعیت را توضیح دهد، بفهمد و تفسیر نماید. در واقع ممکن است قدری پیش‌تر رفته و استدلال‌نمایم که بدون نظریه (حال به هر شکلی که باشد) فهم واقعیت غیرممکن است (مارش و استوکر، ۱۳۹۳: ۴۳). برای تشریح «منطقی و نظام‌مند» گفتمان اصلاح‌طلبی، ارائه چارچوبی مفهومی و نظری ضروری است. بدین منظور در این پژوهش، برای فراهم آوردن

چارچوب مفهومی کارآمد، از نظریه گفتمان لا کلائو و موف بهره گرفته‌ایم، که یکی از پیشرفته‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین روش‌های تحلیل در علوم اجتماعی است که کشف معانی ظاهری و مستتر در جریان‌های گفتمانی را مدنظر دارد. در واقع کردارهای سیاسی در هر جامعه‌ای در چارچوب گفتمان سیاسی مسلط در آن تعیین می‌شود. هر گفتمانی، شکل خاصی از کردارهای سیاسی را ممکن می‌سازد و هویت و خود فهمی‌های فرد را به شیوه ویژه تعریف می‌کند و برخی از امکانات زندگی سیاسی متحقق و برخی دیگر را حذف می‌نماید. ساختار سیاسی حوزه‌ای است که در پرتو گفتمان شکل می‌گیرد و با تغییر گفتمان‌هاست که ساختارها دگرگون می‌شوند و از نو تعیین می‌یابند، درحالی‌که استقرار و سلطه هر گفتمانی نیازمند پشتیبانی آن از جانب نیروها و قدرت‌هایی است (بشیریه، ۱۳۹۴: ۶۱).

نظریه گفتمان در دو حوزه متفاوت زبان‌شناسی و فلسفه سیاسی رشد یافته است و مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. شاید نخستین و مهم‌ترین فرد مؤثر بر طرح نظریه گفتمان، فردینان دو سوسور^۱ باشد، که زبان را مجموعه‌ای از نشانه‌ها بدون ارجاع به زمان می‌داند. به عبارت دیگر، زبان خصلتی جدا از زمان دارد و عنصر زمان در تحولات ساختی آن نقشی ندارد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۴). مهم‌ترین نظریه‌پردازان نظریه گفتمان در حوزه زبان‌شناسی که به گفتمان انتقادی شهرت دارند، آن تئون ای وان دایک^۲ و نورمن فرکلاف^۳ و در حوزه فلسفه سیاسی میشل فوکو^۴ و لا کلائو و موف^۵ می‌باشند و از بین رویکردهای تحلیل گفتمان سه تحلیل که به‌طور مشخص با سیاست مرتبط می‌باشند: تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است که به تحلیل متون می‌پردازد، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی فوکو است که به شکل‌گیری دانش و ارتباط آن با قدرت اشاره دارد و لا کلائو و موف که تبارشناسی فوکو را در موضوعات سیاسی بسط داده‌اند (حقیقت، ۱۳۹۰: ۵۶۵).

از جمله کسانی که در گسترش نظریه گفتمان تأثیر به‌سزایی داشتند، می‌توان به ارنستو لا کلائو و شانتال موف اشاره کرد که با استفاده از سنت‌های قبل از خود در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی تحولی در نظریه گفتمان ایجاد کردند (کلاتری، ۱۳۹۱: ۱۳۳). آنچه تحلیل گفتمانی

1. Ferdinand de Saussure
2. An Theon E. Van Dyke
3. Norman Fairclough
4. Michel Foucault
5. Ernesto Laclau & Chantal Mouffe

لاکلائو و موف را از دیگر نظریه‌های گفتمانی متمایز کرده است، تسری گفتمان از حوزه فلسفه، زبان‌شناسی و فرهنگ به حوزه سیاست و جامعه است. از نظر این دو اندیشمند هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، یعنی اینکه فعالیت‌ها و پدیده‌های سیاسی وقتی قابل فهم هستند که در قالب گفتمانی خاص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (هنری و آزمی، ۱۳۹۲: ۹۶). از نظر لاکلائو و موف، گفتمان، مجموعه و ساختار مفصل‌بندی از نشانه‌هاست که حول دال مرکزی در حال گردش است. گفتمان، اگرچه مولود متن است، اما تنها در زمینه اجتماعی معنا می‌یابد و برحسب زمان و مکان تغییر می‌کند. در نتیجه، امکان اتصال متن به جامعه فراهم می‌گردد. متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است. در داخل متن، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها وجود دارند که به نحوی تثبیت‌شده با یکدیگر مرتبط بوده و در کنار هم کلیتی را تشکیل می‌دهند که «گفتمان» خوانده می‌شود. لاکلائو و موف، رابطه تثبیت‌شده میان مؤلفه‌ها را «مفصل‌بندی» می‌نامند (Laclau & Mouffe, 1985: 22). در داخل گفتمان، یک یا تعداد معدودی از عناصر، نقش مرکزی دارند که از آنها به تعبیر لاکان به عنوان «دال برتر» یا به تعبیر لاکلائو و موف، به عنوان «گره‌گاه» نام برده می‌شود: «گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرد. گره‌گاه نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند؛ سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ می‌کنند» (بورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۵۷). لاکلائو و موف، برای توصیف هر گفتمان از مفاهیم گره‌گاه (نقطه مرکزی، نقطه کانونی) (لاکلائو و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۲-۱۸۴)، مفصل‌بندی (لاکلائو و موف، ۱۳۹۲: ۱۵۴)، برهه (وقته، لحظه، بعد) (لاکلائو و موف، ۱۳۹۲: ۱۷۱)، دال‌های شناور یا دال‌های سیال (بورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۶۰)، موقعیت سوژه‌ای (لاکلائو و موف، ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۹۸) استفاده می‌کنند.

بنابراین اولین مفهومی که در نظریه گفتمان لاکلائو و موف مورد بررسی قرار می‌گیرد، گفتمان است. از دیدگاه لاکلائو و موف (۲۰۰۱: ۱۰۵)، گفتمان کلیت شکل گرفته ناشی از عمل مفصل‌بندی است. در نظریه گفتمان لاکلائو و موف دال‌ها به دو طبقه دال‌های مرکزی و شناور تقسیم می‌شوند. لاکلائو و موف (۲۰۰۱: ۱۱۱) معتقدند «دال مرکزی نقطه‌ای است که سایر دال‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند و سبب می‌شود یک گفتمان به ثبات موقتی دست یابد». از سوی دیگر، «دال‌های شناور نشانه‌هایی‌اند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به آن‌ها به شیوه خاص خودشان معنا ببخشند». لاکلائو و موف بر این باورند که برای فهم ساختارهای گفتمانی باید مفهوم «مفصل‌بندی» تشریح شود. «مفصل‌بندی عملی است که به برقراری رابطه بین

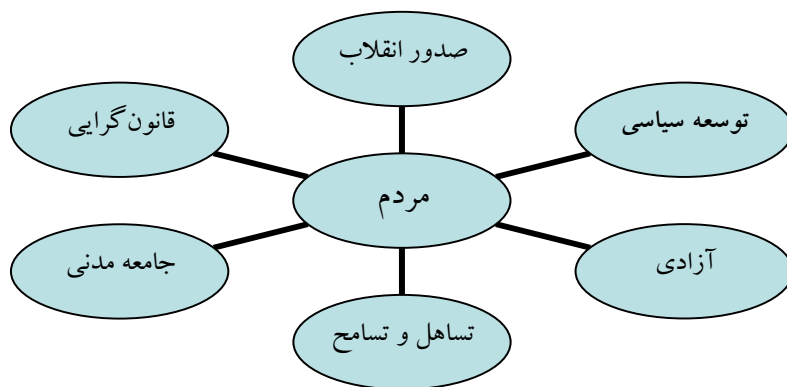
عناصر یک گفتمان منجر می‌شود، به گونه‌ای که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تغییر پیدا می‌کند» (لاکلائو و موف، ۲۰۰۱: ۱۰۵)؛ بنابراین مفصل‌بندی مفهومی برای نشان دادن تغییر است.

در اندیشه لاکلائو و موف، دال‌های اصلی در زنجیره هم‌ارزی با هم ترکیب می‌شوند. این دال‌ها به تنهایی بی‌معنا هستند تا اینکه در زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که به آنها معنا می‌دهند ترکیب می‌شوند. در نتیجه، زنجیره هم‌ارزی در جامعه‌ای که ذاتاً متکثر است کارش پوشش این تکثر و تفاوت‌هاست، به نحوی که به آنها نظم و انسجام می‌بخشد. یعنی سبب می‌شود تا عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست داده و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل شوند. ولی لازم به ذکر است که هم‌ارزی قادر به حذف کامل تفاوت‌ها نیست، زیرا همیشه امکان ظهور تفاوت مفهوم خصومت و غیره برجسته می‌شود و تأکید آن بر تمایزات و مرزهای موجود میان نیروهای موجود است. منطق هم‌ارزی سعی دارد تا با مفصل‌بندی، قسمتی از تمایزات را کاهش داده و با جذب عناصر شناور و تبدیل آنها به وقته، انسجام لازم را در مقابل یک غیر فراهم کند، لذا شرط وجود هر صورت‌بندی منطق هم‌ارزی است (حقیقت، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۳). لاکلائو و موف معتقدند زمانی که عنصری به وقته تبدیل می‌شود یعنی یک دال شناور به تثبیت معنا رسیده است، آن‌ها این حالت را انسداد می‌نامند، اما این تثبیت معنا هیچ‌گاه کامل نمی‌شود، بلکه همواره نسبی است (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

از نظر لاکلائو و موف، هیچ چیز به نوبه خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که درون آن قرار گرفته است کسب می‌کند. نظریه لاکلائو و موف، علی‌رغم انتقادهایی که بر آن وارد است، در شناخت سیر ظهور، هژمونی تثبیت و زوال گفتمان‌ها می‌تواند مفید واقع شود. هدف آن است که بتوان بر پایه مفاهیم و روش تحلیل گفتمان لاکلائو و موف، نظام معنایی، سیر ظهور، هژمونی، تثبیت و زوال گفتمان‌های اصلاح‌طلب را مورد پژوهش قرارداد. در این راستا، باید روشن نمود که هنگام جستجو در این گفتمان، در پی شناخت کدام یک از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن می‌باشیم. در واقع در این پژوهش، سعی در شناخت ارتباط گفتمان اصلاح‌طلبی با امر انقلابی داریم. گفتمان در اینجا به عنوان یک روند زبانی درک می‌شود و تغییرات ایدئولوژیک را در روایت غالب جمهوری اسلامی نشان می‌دهد.

بر اساس ویژگی‌های پنج‌گانه گفتمانی (امکانیت، نقش قدرت، اولویت سیاست، تزلزل و بی‌قراری و تاریخ‌مندی)، جامعه همواره خصلتی باز و گشوده دارد و هیچ‌گاه به عینیت کامل

نمی‌رسد. گفتمان محصول بی‌قراری‌های ساختاری است و شرایط بی‌قرار اجتماعی را بازنمایی و تبیین می‌کند و درصدد پاسخگویی به بحران موجود است. گفتمان به بازسازی آرمانی فضای اجتماعی می‌پردازد و از طریق پیکربندی دوباره متزلزل، یک عینیت اجتماعی نوین ایجاد می‌کند. گفتمان اصلاح طلبی در ایران معاصر در پاسخ به بحران‌ها و تعارض‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از حاکمیت گفتمان محافظه‌کار و اقتدارگرای سنتی پدید آمد و فضای آن، ایده‌ها و اندیشه‌های نوینی بود که در بستر نوگرایی دینی رویده بود و از زبان سیدمحمد خاتمی بیان می‌شد، اما این استعاره‌های کمال‌گرایانه، پس از هژمونی گفتمانی در عرصه سیاست، پاسخ لازم برای بحران‌ها و بی‌قراری‌های موجود را فراهم نساخت. بنابراین عامل اصلی ناکامی گفتمان اصلاح طلبی، ناسازه‌های نظری این گفتمان است که از پاسخگویی به بحران‌ها و بی‌قراری‌ها ناتوان بود و بستر لازم برای شکل‌گیری پادگفتمان خویش و ظهور گفتمان کمال‌گرای دیگر را فراهم کرد. گفتمان جدید، تحت عنوان اصول‌گرایی، عنصر طردشده «عدالت اجتماعی» در گفتمان پیشین را دال برتر خود قرار داد و گفتمان جدیدی را پیکربندی نمود. این برخلاف دیدگاه لا کلائو و موف است که بر این باورند که در منازعات سیاسی، گفتمانی پیروز است که به ابزارهای قدرت بیشتری دسترسی دارد. بدین منظور در این پژوهش از نظریه گفتمان لا کلائو و موف استفاده شده است تا به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود. در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا با مطالعه و بررسی سیر تکوینی و روند شکل‌گیری گفتمان اصلاح طلبی، به بازشناسی این گفتمان و ارتباط آن با امر انقلابی پرداخته شود. در زیر نمودار مفصل‌بندی عناصر گفتمانی حول دال برتر برگرفته از گفتمان لا کلائو و موف ارائه شده است:



نمودار ۱: مفصل‌بندی عناصر گفتمان اصلاح طلبی حول دال برتر

بحث و یافته‌های پژوهش

گفتمان‌های بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان‌هایی در کشور شکل گرفت که هر یک از آنها اصول خود را جهت توسعه سیاسی و اقتصادی داشته‌اند. داستان کشاکش سیاسی مداوم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره وجود دارد و روزبروز دامنهٔ مرزبندی میان خودی‌ها و غیرخودی‌ها تنگ‌تر شده است. در واقع دافعۀ حاکمیت بیش از جاذبهٔ آن بوده و ریزش مستمر، رویش‌های اندکی در پی داشته است (خلجی، ۱۳۸۶: ۹۳). در ادامه به بررسی خلاصه‌ای از هر یک از گفتمان‌های بعد از انقلاب می‌پردازیم.

الف) گفتمان قبض و بسط انقلابی (۱۳۵۷-۱۳۵۸)

با وقوع انقلاب اسلامی، حامیان اسلام فقاهتی که نزدیک‌ترین حلقه به رهبر انقلاب بودند، در ائتلاف با نیروهای مذهبی جناح لیبرال، هستهٔ اولیه حاکمیت و قدرت سیاسی را تشکیل دادند. دولت موقت که پس از سرنگونی رژیم سلطنتی به ریاست مهندس مهدی بازرگان تشکیل شد، از میان نیروهای مذهبی جناح لیبرال برخاسته بود و شورای انقلاب در اختیار روحانیون اسلام‌گرا قرار داشت (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۳۷). دولت بازرگان با ترکیبی از نیروهای لیبرال و مذهبی قدرت اجرایی را در دست گرفت. اما طیفی گسترده از نیروهای سیاسی سنتی و چپ‌گرا، بر سایر قوای کشور حاکم بودند. به تدریج ملی‌گرایان کنار نهاده شدند و نیروهای انقلابی حزب‌الله، قدرت کافی کسب کردند (شکوئی، ۱۳۷۹: ۲۰۷-۲۰۸).

ب) گفتمان حفظ - بسط محور (۱۳۵۸-۱۳۶۸)

با هجوم نظامی عراق به ایران، تحولات تازه‌ای رقم خورد و گفتمان امنیتی جدیدی حاکم شد. انگیزه‌های ملی تا حدودی احیا گردید. در پرتو ملاحظات حفظ‌محورانه، تئوری ام‌القری مطرح شد که بر اولویت حفظ کشور به‌عنوان ام‌القری کشورهای اسلامی تأکید می‌کرد (ولی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۴۷). مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی و انقلابی این گفتمان، شامل مؤلفه‌هایی نظیر استکبارستیزی، صدور انقلاب و عدالت اسلامی هستند. ورود مؤلفه وطن‌دوستی به گفتمان حاکم و جهت‌گیری‌های انقباض سیاسی (مقابله قاطعانه و سخت‌گیرانه علیه گروه‌های سیاسی مخالف و معاند) نیز ریشه در واقعیت‌های برآمده از شرایط جنگی داشت. از ادبیات سیاسی

مطرح شده برداشت می‌شود که گفتمان این دوره، گفتمان ارزش‌محور یا آرمان‌گرا بوده است (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۲). گفتمان آرمان‌گرا، معتقد بود که باید براساس آموزه‌ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان‌ها، ارزش‌ها و احکام اسلامی به تدوین، تنظیم و اجرای سیاست داخلی و خارجی پرداخت. این گفتمان به دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرایی امت‌محور و آرمان‌گرایی مرکز‌محور تقسیم شده است که هر دو بر اصول و ارزش‌های اسلامی و منافع اسلام تأکید می‌کنند، اما در گفتمان مرکز‌محور اگر بین مصالح اسلامی و امنیت و بقای مرکز (ام‌القری جهان اسلام) تزاخم پیش آید، حفظ کیان و بقای مرکز اولویت دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۹۳).

ج. گفتمان رشد‌محور (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

با پایان یافتن جنگ عراق علیه ایران و خسارت‌های ناشی از جنگ، به تدریج دولت هاشمی‌رفسنجانی، برای سامان دادن به اوضاع بحران‌زده داخلی و بازسازی کشور، اصلاح‌طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خویش قرارداد (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۰۴۶). منطبق تغییر و تحولات عصر سازندگی، جوهری اقتصادی داشت. هاشمی‌رفسنجانی و تیم همکاران او در دولت، معتقد بودند که چنانچه با برنامه‌ریزی، توسعه پایداری ایجاد کنند، الگویی عملی به جهان اسلام ارائه می‌دهند و در حقیقت موجودیت جمهوری اسلامی را تثبیت و انقلاب را به معنا و مفهوم دیگری به جهان صادر می‌کنند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۳). دولت هاشمی‌رفسنجانی، تلاش کرد از طریق خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌های خارجی، تضمین سرمایه‌ها، تقاضا برای بازگشت نیروهای انسانی خارج از کشور و تقویت تولید صنعتی، بر نارسایی‌های اقتصادی فایق آید (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۲). این گفتمان رویکردی تک‌ساحتی به موضوع توسعه داشت.

د. گفتمان توسعه سیاسی (۶۷۳۱-۴۸۳۱)

پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، گفتمان اصلاح‌طلبی در ایران ظهور کرد. این گفتمان در باب مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی دینی، آزادی بیان، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تثبیت قانون اساسی، سیاست‌های جدیدی مدنظر قرار داد و براساس ادعای اصلاح‌طلبان این مفاهیم در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب در حاشیه قرار گرفته بودند و احتیاج به بازاندیشی داشتند (حاضری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳). اصلاح‌طلبان، اعتقاد داشتند باید فضای سیاسی و اجتماعی کشور و فرآیند تجمیع تقاضاهای مردم در قالب جدید و پایداری مانند جوامع مدنی و از جمله احزاب،

سازمان‌دهی و نهادینه شود (رضایی و نظری، ۱۳۹۴: ۲۰۲). به‌طورکلی گفتمان اصلاحات با اتخاذ رویکردی اصلاحی و انتقادی مطالب و شعارهای خود را به صورت مسالمت‌آمیز، قانونی و با حفظ تعهد به نظام و انقلاب اسلامی دنبال کرد (اخوان‌کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۰). این گفتمان در نمودهای بیرونی خود شباهتی با گفتمان‌های پیشین نداشت، اما به مثابه گفتمان‌های پیشین، محصول فراگفتمان انقلاب اسلامی بود و بر ترکیبی از همه آن گفتمان‌ها استوار شده بود (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۰۴).

ه) گفتمان قبض و بسط انقلابی (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

پس از گفتمان توسعه سیاسی، شاهد گفتمان جدیدی بودیم که در برابر گفتمان توسعه سیاسی شکل گرفت و با تشکیل دولت نهم و در تداوم آن دولت دهم ایجاد شد. سیاست‌های جدید برخاسته از الگوی فکری جدیدی بود که از میان مؤلفه‌های فراگفتمان انقلاب اسلامی، مؤلفه «عدالت اسلامی» را در مرکز ثقل خود قرارداد. ازاین‌رو، در عرصه داخلی، ارائه و معرفی الگوی حکومت عدل اسلامی و در حوزه سیاست خارجی، مقابله با نظم بین‌المللی مستقر که از آن به عنوان نظام جهانی سلطه یاد می‌شد مورد توجه ویژه قرار گرفت (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۲). با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری، گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بر صحنه سیاسی کشور حاکم شد. احمدی‌نژاد که با شعار «دولت اسلامی و کابینه‌ای متفاوت» پرچم‌دار نگرش جدید در حکومت بود، از روشی پیروی می‌کرد که هدف و محور آن عدالت و آرمان‌خواهی بود. علاوه بر دال مرکزی عدالت که از آن نام برده شد یکی دیگر از شاخصه‌های گفتمان دولت نهم، «اصول‌گرایی» است. اگرچه عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری به گفتمان اصول‌گرا هویت می‌بخشد، لیکن این دال و مفهوم کانونی در چارچوب اصول‌گرایی تعریف و ارائه می‌گردد (قائم‌طلب، ۱۳۸۹: ۱۰۳). در این دوره، گفتمانی متفاوت از گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات شکل گرفت که در عین ریشه داشتن در فراگفتمان انقلاب اسلامی، دارای تفاوت با گفتمان‌های قبلی بود. از سال ۱۳۹۲ نیز شاهد شکل‌گیری گفتمان اعتدال‌گرایی به ریاست جمهوری حسن روحانی می‌باشیم که تا اکنون (۱۳۹۹) تداوم داشته و در عین تمایز، بر جنبه‌هایی از هر دو گفتمان تأکید نموده است.

عناصر و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی

عناصر و مؤلفه‌های هر گفتمان حول دال مرکزی یا اصلی هر گفتمان شکل گرفته و گفتمان را ایجاد می‌کنند. دال مرکزی یا متعالی گفتمان انقلاب اسلامی اسلام شیعی یا اسلام سیاسی است. به طوری که در گفتمان انقلاب اسلامی، عناصر و دقایق حول این دال مرکزی مفصل بندی شد. در انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی با خوانش شیعی احیا شد. در چارچوب این تلقی و تعریف از اسلام بایان یکی بودن عرصه سیاست و دین و این جهانی کردن دین، اسلام به متن جامعه و سیاست بازگردانده شد. برای تبیین بهتر گفتمان‌های انقلاب اسلامی نیاز است تا ابتدا با عناصر گفتمان انقلاب اسلامی آشنایی حاصل گردد، که تلاش شد تا به تبیین مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی انقلاب اسلامی پرداخته شود.

الف) اسلام‌مداری

بی تردید مهم‌ترین عنصر انقلاب اسلامی که آن را از سایر انقلاب‌های جهان متمایز می‌سازد، اسلامی بودن آن است. انقلاب اسلامی برخلاف رویه رایج در انقلاب‌های قرن بیستم، بر مبنای ایدئولوژی اسلامی شکل گرفت. افزون بر این، رهبری و هدایت حرکت انقلابی مردم ایران را روحانیان و رجال دین و در رأس آنان امام خمینی بر عهده داشتند. اکثریت مردم شرکت‌کننده در جنبش انقلابی را توده‌ها و نیروهای مسلمان و مذهبی تشکیل می‌دادند. ماهیت و هویت اسلامی انقلاب ایران، گفتمان‌های مدرنیزاسیون و سکولاریسم حاکم بر سیاست را با چالش جدی مواجه ساخت (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۱). با حاکمیت گفتمان انقلاب اسلامی، نظریه جدایی دین از دولت به عنوان یک انحراف از سنت سیاسی اسلام تلقی شده و در عرصه سیاسی ایران به حاشیه رفت. گفتمان اسلام سیاسی مبنی بر وحدت دین و دولت و اقتدار سیاسی و مذهبی در کانون گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد. بنابراین اسلام‌خواهی مهم‌ترین عنصر گفتمان انقلاب اسلامی است که ارتباط مستقیمی با دال متعالی اسلام شیعی دارد (رادفر، ۱۳۹۵: ۶۸). بنابراین نقطه تمایز نظام اسلامی با سایر حکومت‌های استبدادی در رعایت و اجرای قوانین و مقررات اسلامی است. در همین ارتباط، اصل دوم قانون اساسی به صراحت بر تعامل اسلام و سیاست تأکید می‌کند: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او، وحی الهی، معاد، عدل خدا در خلقت و تشریح و امامت و رهبری و نقش اساسی آن

در تداوم انقلاب اسلامی».^۱ بنابراین مفهوم اسلام سیاسی که تا قبل از انقلاب اسلامی، مصطلح نبود، با این انقلاب، نظام اسلامی را جایگزین رژیم شاه کرد.^۲

ب) استقلال طلبی و سلطه‌ستیزی

استقلال طلبی و سلطه‌ستیزی عنصر دیگر گفتمان انقلاب اسلامی است که پیرامون دال مرکزی اسلام شیعی مفصل‌بندی شده است. زیرا جنبش انقلابی مردم ایران به همان اندازه که برای آزادی از استبداد داخلی بود، حرکتی برای رهایی از نفوذ خارجی و دستیابی به استقلال ملی نیز بود. این دو انگیزه و هدف انقلاب اسلامی ایران به روشنی و صراحت در اصلی‌ترین شعار آن یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تجلی و تبلور یافت. از این رو، انقلاب اسلامی ایران به شدت ضد استعماری بود. اما استقلال‌خواهی ملت ایران صرفاً به استقلال سیاسی و اقتصادی محدود نمی‌شد، بلکه در پی دستیابی به استقلال فرهنگی و بازیابی هویت فرهنگی خود نیز بود (رادفر، ۱۳۹۵: ۷۹). سلطه‌ستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی و سپس در حکومت جمهوری اسلامی تنها به بستن راه سلطه و نفوذ بیگانگان بر مسلمانان و نظام اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه مبارزه با نظام سلطه و بی‌عدالتی را در برمی‌گیرد. به طوری که در اصل دوم و سوم قانون اساسی نیز بر نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی و ... طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب تأکید شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

ج) آرمان‌خواهی

سومین عنصر گفتمان انقلاب اسلامی، آرمان‌خواهی است که ناشی از دال متعالی گفتمان

۱. در اصل چهارم قانون اساسی نیز تصریح شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد».

۲. اسلام سیاسی به معنی جریانی در جهان اسلام است که سودای تغییر و تحول در جوامع اسلامی با تکیه بر دین اسلام را دارد. هوشنگ امیراحمدی در این زمینه می‌نویسد: «اسلام سیاسی فقط مبارزه با مدرنیته و حفظ ارزش‌های سنتی در جوامع اسلامی نیست بلکه واکنشی به بی‌عدالتی، زورگویی و نابرابری است که در جوامع اسلامی تحت فشارهای استعماری آمریکا و اروپا وجود دارد. اسلام و حرکت‌های اسلامی در جهت ایجاد جامعه اسلامی بر اساس عدالت اجتماعی و دموکراسی است (برای توضیح بیشتر ر.ک: خرمشاد، ۰۸۳۱).

انقلاب اسلامی، یعنی اسلام شیعی است. آرمان‌گرایی به معنای داشتن ارزش‌ها و آماج متعالی در قالب نظم مطلوب برای انسان و جهان بشری، ترسیم، تعقیب و تأمین آن در حیات سیاسی و اجتماعی است. آرمان‌گرایی مستلزم و متضمن تعریف و تحقق نظم و وضع مطلوب جمهوری اسلامی در چارچوب دین مبین اسلام، انقلاب اسلامی، تعیین و تحقق‌یافته در پهنه جغرافیایی ایران است. از این رو، آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری و عدالت‌خواهی مهم‌ترین ارزش‌هایی هستند که بر مبنای آرمان‌گرایی نهفته در گفتمان انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران پی‌گیری می‌شوند. آرمان‌گرایی در گفتمان انقلاب اسلامی، معطوف به برقراری یک نظم سیاسی و اجتماعی آرمانی و مطلوب در قالب ایجاد یک جامعه نمونه اسلامی است. این نوع آرمان‌گرایی در چگونگی شکل‌گیری و سپس پیروزی انقلاب اسلامی ایران تجلی یافت. به گونه‌ای که ملت ایران برای تحقق و تأمین آرمان‌های اسلامی و ایرانی قیام کرد تا یک نظم سیاسی مطلوب را مستقر سازد (رادفر، ۱۳۹۵: ۷۱).

د) استبدادستیزی و آزادی‌خواهی

گفتمان انقلاب اسلامی با طرح و هدف برقراری حکومت جمهوری اسلامی به میدان آمد. گفتمان انقلاب اسلامی با تلفیق جمهوریت با اسلامیت، برخلاف رژیم شاه که مبتنی بر خودکامگی و دیکتاتوری بود، اساس کار خود را رأی مردم قرار داده و در عین التزام به اسلام نقش مردم در اداره حکومت و کشور را نیز حفظ کرد (خواجeh سروی، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۸). امام خمینی یکی از دلایل اصلی مخالفت خود را با نظام شاهنشاهی، همین استبداد و خودکامگی قرار داده بود و در این زمینه تصریح می‌کند:

اما من مخالف اصل سلطنت و رژیم شاهنشاهی ایران هستم، به دلیل اینکه اساساً سلطنت نوع حکومتی است که متکی به آرای ملت نیست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۱۷۳).
امام خمینی در توضیح اصل آزادی می‌گوید:

اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جاننش و بر نوامیسش خلق فرموده است. امر فرموده است، مسلط است انسان؛ آزاد است انسان (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۸۶-۲۸۷).

بنابراین در گفتمان انقلاب اسلامی حکومت باید برای آزادی‌های معقول و اجتماعی مردم تلاش کند و نمی‌تواند منکر یا محدودکننده آزادی بشر باشد.

ه) عدالت‌خواهی

عدالت به عنوان یکی از اصول دین مذهب تشیع جایگاه ویژه‌ای در گفتمان انقلاب اسلامی دارد. بی‌تردید مهم‌ترین مبنا و بنیاد عدالت‌خواهی در گفتمان انقلاب اسلامی، ایدئولوژی و آموزه‌های اسلامی است؛ چون عدالت، مفهوم کانونی و نقطه مرکزی دین مبین اسلام است. جایگاه عدالت در مذهب تشیع و اندیشه شیعی نیز به اندازه‌ای است که عدل، یکی از اصول اعتقادی آن به شمار می‌آید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). عدالت به عنوان فلسفه حکومت دینی حائز اهمیت است و نظام جمهوری اسلامی نیز از آن مستثنی نیست (فخرزاد، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۱). گفتمان انقلاب اسلامی بر قرائت نوینی از اسلام شیعی استوار است که امام خمینی ارائه دادند. ایرانی‌ت و هویت ایرانیان نیز عنصر عدالت‌طلبی در گفتمان انقلاب اسلامی ایران را تقویت می‌کند. عدالت‌طلبی، ریشه در فرهنگ و تمدن ایران دارد که اسلام شیعی و گفتمان انقلاب اسلامی آن را تقویت کرده است. عدالت یکی از ارزش‌های جامعه ایران، پیش از گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام بوده است؛ به گونه‌ای که عدالت‌طلبی یکی از عناصر قوام‌بخش هویت ایرانی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۲۲-۲۴۴).

دال‌های گفتمان اصلاح‌طلبی

گفتمان‌های پس از انقلاب نشان می‌دهد که الگوهای کنش و تصمیم‌گیری کارگزاران ماهیت برسازانه داشته است. الگوی برسازی مربوط به شرایطی است که نخبگان، کارگزاران سیاسی و نهادهای ساختاری نقش مؤثری در نظام سیاسی ایفا می‌کنند. سیالیت محیط اجتماعی ایران زمینه‌های لازم برای تنوع دال‌های شناور فراهم می‌کند. ایران در مقطعی به پیش رفته و در مقطعی دوباره به عقب بازگشته است. این نوسانات همواره سبب شده تا دولتمردان ایران در مداری از تغییر و تداوم قرار بگیرند (متقی و پیری، ۱۳۹۶: ۴۹۰). اصلاح‌طلبی یکی از دو گفتمان و سنت فکری است که از غیریت‌سازی در درون گروه اسلام‌گرایان بعد از انقلاب شکل گرفت. برجسته‌ترین دال‌های این گفتمان در صحنه اجتماعی را دال‌هایی چون مردم، آزادی، جامعه مدنی، آزادی تشکلی‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها و گروه‌های اجتماعی مردم‌نهاد، آزادی مطبوعات، ارتباط با جهانیان بیرون به ویژه غرب و پافشاری بر انگاره ایمن‌سازی فرهنگی و دینی سامان می‌دهند (ایزدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۶۳). در هر صورت در این گفتمان، مفصل‌بندی جدیدی حول دال «مردم» شکل گرفت که دال‌های دیگری مانند «آزادی»، «جامعه مدنی»، «قانون‌گرایی»،

«توسعه سیاسی» و «تساهل و تسامح» را در یک نظام معنایی ویژه به هم مرتبط ساخت. در ادامه دال مرکزی و دال‌های شناور این گفتمان ارائه شده است:

دال مرکزی: مردم (مردم‌سالاری دینی)

مشارکت وسیع مردم در دوم خرداد، نه صرفاً به معنای آری گفتن به خاتمی، بلکه به معنای نه گفتن به وضع موجود بود. به این ترتیب، گفتمان اصلاحات حول دال مرکزی «مردم» و با هدف ایجاد مردم‌سالاری دینی شکل گرفت (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۵۲). از برجسته‌ترین مفاهیمی که دولت اصلاحات مطرح کرد و به عنوان دال مرکزی خود قرارداد، مفهوم «مردم» (مردم‌سالاری) است، که از اصلی‌ترین شعارهای جنبش اصلاحات در ۸ سال ریاست جمهوری سید محمد خاتمی بود. این مفهوم، مفهومی عاریتی از خارج نبود، بلکه برگرفته از متن قانون و بیانات امام خمینی در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بود. خاتمی به عنوان نماینده اصلی گفتمان اصلاح‌طلبی در سخنرانی‌های زیادی این مفهوم را مطرح کرد و آن را توضیح داد (جوادی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). در همین ارتباط، خاتمی در سخنرانی سال ۱۳۷۷/۱۱/۰۷ در جمع اعضای همبستگی چنین گفت:

حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در قانون اساسی نیز قی د شده است. پس باید به سوی تقویت نظام مردمی حرکت کنیم. اگر نظام باید مردمی باشد مردم باید در صحنه حضور داشته باشند. ما نمی‌توانیم به نمایندگی از مردم بگوییم که مردم چه می‌خواهند. خواست مردم اولاً باید امکان بروز در جامعه داشته باشد؛ و ثانیاً باید ابراز گردد (خاتمی، ۱۳۸۰: ۳۵).

دال شناور (جامعه مدنی)

جامعه مدنی عبارت است از حوزه‌ای از نهادهای مستقل تحت حمایت قانون که در آن افراد و اجتماع‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات متنوعی دارند و گروه‌های خودگردانی که در همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر به سر می‌برند، به صورت نهادهای واسطه و داوطلبانه میان دولت و افراد عمل می‌کنند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۵۶). ویژگی بارز جامعه مدنی، استقلال از قدرت است (دارابی، ۱۳۸۸: ۸۵). مهم‌ترین شرط استقرار جامعه مدنی، پذیرش قانون اساسی است که مهم‌ترین شرط مردم‌سالاری و احترام به تأیید و رای اکثریت است. با گشایشی که پس از دوم خرداد ۷۶ در

فضای سیاسی کشور رخ داد، در مدت کوتاهی بسیاری از نویسندگان، درباره مفهوم جامعه مدنی و بسیاری از مفاهیم جدید مطلب نوشتند و نظر دادند و هم‌چنین اظهارنظرها و برداشت‌های مختلفی از مفهوم جامعه مدنی عرضه شد (حاضری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸). در سپهر اندیشه سیاسی خاتمی، «جامعه مدنی» جایگزین جامعه توده‌ای شده است. در جامعه مدنی، سازوکارهای گردش جامعه در اثر مشارکت، همکاری، همدلی و انتخاب مردم است. افراد با گرایش‌ها و سلیق و منافع مختلف می‌توانند دور هم جمع شوند و خواسته‌های خود را تعریف کنند و دقیقاً بدانند در چه جایگاهی قرار دارند چه می‌خواهند و برای احقاق این حق باید چه راه‌هایی را طی کنند. چنین جامعه‌ای، هم‌چنین جامعه‌ای است که در آن آزادی در پناه قانون وجود خواهد داشت، منتهی قانونی که آزادی را به رسمیت بشناسد. آزادی بدون قانون یعنی هرج‌ومرج، قانون بدون آزادی یعنی سلطه و استیلا یک‌جانبه بر جامعه (تاجیک، ۱۳۸۵: ۲۳).

دال شناور (قانون‌گرایی)

«قانون‌گرایی» و نهادینه کردن آن و احیای اصول متروکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علیه نگاه‌ها و نهادهای فراقانونی از جمله شعارها و پیام‌های گفتمان اصلاح‌طلبی بوده است. براساس قانون‌گرایی نباید سلیقه‌ای و یا بر اساس سلیق خاصی به قانون نگاه شود. همه افراد و گروه‌ها باید به پیروی از قانون و اجرای آن مفید باشند. دستگاه‌های ناکارآمد باید اصلاح، متخلفان از قوانین باید معرفی و مجازات شوند. حدودمرزهای قانونی در تمام موارد حفظ و مهم‌تر از همه آنکه، قانون و قانون اساسی باید فصل‌الخطاب همه چیزها و همه مرزبندی‌ها باشد (امیری، ۱۳۸۶: ۱۷۲). به اعتقاد خاتمی، قانون اساسی ایران حاوی دو مفهوم سیاسی اصلی است: یکی اصل حاکمیت مردمی که رهبران خود را برمی‌گزینند و آنها را مسئول و پاسخگو می‌دانند و دیگری مفهوم رهبری با ولایت‌فقیه، کسی که در جایگاه ولی‌فقیه نشسته است نه تنها قدرت کنترل اقدامات رئیس‌جمهور را دارد، بلکه در قبال سلوک معنوی جامعه نیز مسئول است؛ اما نکته مهم این است که خاتمی معتقد است که قانون اساسی کوشش دارد به این دو عامل وزنی برابر دهد. این تفسیر آزادمنشانه از قانون اساسی بدان معناست که هرچند خاتمی برتری اقتدار ولی‌فقیه را می‌پذیرد، ولی رهبر را مصون از انتقاد نمی‌داند، چراکه به باور وی هیچ‌کس فراتر از قانون نیست (رمضانی، ۱۳۸۰: ۱۱۶). خاتمی دوران خود را به‌عنوان دوران تثبیت نظام می‌نگرد، دورانی که در آن پایه‌های سیاسی نظام که در رأس آن «آزادی» و «قانون» قرار دارد فرآیند نهادینه

شدن خود را سپری می‌کنند. از این روست که قانون، در کانون گفتمان وی نشسته است. از منظر او قاعده‌مند کردن مشی و منش مردمی که دیرزمانی است «قانون‌گریزی» و «نظم‌ستیزی» جزئی از رفتار اولیه و فرهنگ عمومی آنان شده است، می‌تواند نظم و به دنبال آن امنیت را برای جامعه به ارمغان آورد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

دال شناور (توسعه سیاسی)

گفتمان اصلاح طلبی با شعار توسعه سیاسی، به ساخت‌شکنی توسعه اقتصادی تثبیت شده گفتمان رقیب پرداخت. سخت‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گفتمان سازندگی، هر روز تفکر توسعه سیاسی را در تنگنای بیشتری قرار داده و توانسته بود آن را کاملاً حاشیه‌نشین نماید. گفتمان اصلاح طلبی با قرار دادن اولویت خود و همچنین طرح شعار توسعه سیاسی توانست این مفهوم را در مقابل مفهوم توسعه اقتصادی گفتمان سازندگی قرار دهد (حاج‌حسینی و سام‌آرام، ۱۳۹۳: ۲۱). در واقع در دوران اصلاحات، توسعه سیاسی به‌عنوان شرط ملازم با توسعه اقتصادی مطرح بود؛ زیرا اعتقاد بر این بود که بدون شفاف شدن عرصه سیاست و قاعده‌مند شدن بازی سیاسی و تن دادن بازیگران سیاسی به این قاعده، توسعه و پیشرفت اقتصادی میسر نمی‌شود. بنابراین قاعده بازی در این دوره دموکراتیک اعلام شد و به جای توسعه دولت‌سالار، توسعه جامعه‌سالار (مردم‌سالار) مدنظر قرار گرفت و نهادها، مجامع و نیز دولت در کنار یکدیگر، تسهیل‌کننده روند توسعه به شمار رفتند (کردونی، ۱۳۸۸: ۶۸). توسعه سیاسی از سویی دیگر به‌عنوان دال خالی نیز محسوب می‌شد؛ زیرا توانست فضای مطلوب و ایده‌آل را ترسیم و نیز نواقص را گوشزد نموده و زمینه را برای موفقیت گفتمان اصلاح طلبی هموار نماید. خاتمی یکی از محوری‌ترین وعده‌های خود را توسعه سیاسی می‌دانست که باید همگام با سایر جنبه‌های دیگر و به‌عنوان مکمل به پیش رود (خاتمی، ۱۳۸۰: ۸۸).

دال شناور (آزادی)

یکی از مباحث محوری در اندیشه سیاسی خاتمی، مفهوم «آزادی» است. تعبیر او از این واژه، هم ناظر به پدیده مدرن و اجتماعی آن است و هم ناظر به گوهر انسانی و معنوی آن: «تاریخ انسان، تاریخ آزادی است و تنها فهم تاریخ به‌مثابه میدان تجلی آزادی است که می‌تواند گذشته را بر ما مفتوح و ما را از آن بهره‌مند سازد» (حقدار، ۱۳۷۸: ۷۶). آزادی یکی از دال‌هایی است

که در گفتمان اصلاح طلبی برجسته‌سازی شده است. از نظر سخنگویان گفتمان اصلاح طلبی، انقلاب اسلامی دارای ماهیتی ضد استبدادی و آزادی خواهانه داشته است. بنابراین در جمهوری اسلامی، برخلاف رژیم گذشته که دارای ماهیتی استبدادی بود و در آن مردم آزادی ابراز عقیده و بیان اندیشه خود را نداشتند، مردم باید احساس آزادی داشته و آزادی بیان و عقیده داشته باشند. از نظر خاتمی جمهوری اسلامی نه تنها بایستی آزادی‌های افراد جامعه را محترم شمرده و به آنها ملتزم باشد، بلکه باید منادی صلح، آزادی و عدالت برای همه ملت‌های جهان باشد. سروش بر اصالت داشتن آزادی پای می‌فشارد و بر این باور است که: «آزادی یک اصل اساسی است و دین‌داری و تدین نیز منوط به آزادی است. یعنی دین باید آزادانه انتخاب شود» (سروش، ۱۳۸۸: ۲۵۳). از نظر لک و ظابط‌پور، گفتمان سیاسی خاتمی حرکت خود را از مفهوم آزادی آغاز کرد و در پرتو این ارزش اخلاقی می‌توان دیگر ابیات سیاسی ایشان را نیز ترجمه و تفسیر کرد و به معنی ادبیات استفاده شده توسط این گفتمان پی برد (بهروزلک و ظابط‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۵). اهمیت محوری آزادی در نظام ارزشی خاتمی به اندازه‌ای بود که این ارزش برای حفظ دین‌داری و نیز عدالت نیز اهمیت داشت. با توجه به تقدم و تأخر جایگاه دو ارزش عدالت و آزادی در گفتمان سیاسی خاتمی می‌توانیم به خوبی نزدیکی خاتمی را به اندیشه‌های راست‌گرایانه در حوزه اندیشه‌های سیاسی مشاهده کرد. طرح موضوع جامعه مدنی نیز در راستای توسعه آزادی است و محور اصلی همه ارزش‌ها انسان است (خواججه‌سروی، ۱۳۸۷: ۲۶).

دال شناور (تساهل و تسامح)

تساهل و تسامح در فرهنگ غربی از لوازم نوگرایی و شیوه‌ای کارساز برای تنظیم رفتارهای دینی، اخلاقی و سیاسی به شمار می‌آید و معنای آن اجازه دادن آگاهانه به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند افراد نباشد. در تساهل‌ورزی، انسان‌ها با حفظ عقیده و مرام خود، به دنبال تعامل با دیگران می‌روند و بدون آنکه عقاید دیگران را بپذیرند، آنها را تحمل می‌کنند تا مجالی مسالمت‌آمیز برای تداوم ارتباط فکری و اجتماعی انسان‌ها وجود داشته باشد (جوادی، ۱۳۹۰: ۶۲). اصلاح‌طلبان با نگاه نسبی‌گرایانه و پلوراتی (کثرت‌گرایانه) از «تساهل و تسامح»، تفکر و گرایش‌های را در جامعه گسترش دادند که رنگ و بوی گذر از عقاید، مقدمات و مرزهای نظام اسلامی داشت و به آسان‌گیری، مدارا، سعه‌صدر و بردباری که اولین معانی تساهل و تسامح هستند، محدود نشدند و استدلال می‌کردند که تساهل و تسامح زمینه ظهور آزادی‌های اجتماعی

و سیاسی را بیشتر می‌کند. علاوه بر این، خود دین بر تساهل و تسامح، آسان‌گیری و روش‌های محبت‌آمیز تأکید کرده و آسان‌گیری را بر شدت عمل ترجیح داده است (امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۷). با بررسی دال‌های گفتمان اصلاح‌طلبی این نتیجه حاصل می‌شود که دال مرکزی این گفتمان، «مردم» است. در واقع گفتمان اصلاح‌طلبی با قرار دادن دال مردم در مرکز توجه خود توانست دال‌های خالی و شناوری که در حوزه گفتمان‌گونگی قرار داشتند را حول خود جمع کند و به مفصل‌بندی آنها بپردازد. این گفتمان توانست با قرار دادن این دال‌ها در یک زنجیره هم‌عرضی یک پیوند ناگسستی بین دال‌ها ایجاد کند، به گونه‌ای که هر کدام از دال‌های شناور به دال شناور دیگر معنی می‌دهد و در واقع دال‌ها به هم وابسته بودند و در نبود یکی از دال‌ها، دال‌های شناور دیگر با بحران معنا مواجه می‌شدند. در کل، گفتمان اصلاحات با ارائه تفسیری دموکراتیک از جمهوریت و اسلامیت نظام توانست دال مردم را از حوزه گفتمان‌گونگی بیرون آورد و در مرکز گفتمان اصلاح‌طلبی خود قرار دهد؛ و دال‌هایی چون: آزادی، جامعه مدنی، حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و تساهل را که به صورت شعار مطرح بودند با دال مرکزی مفصل‌بندی کند و به آنها معنا و هویت ببخشد.

نظریات در باب امر انقلابی

گرایش غالب در میان انقلابیون ایرانی در سال‌های اولیه انقلاب این بود که باید یک انقلاب مستمر شکل بگیرد. انقلابیون ایرانی اعتقاد داشتند که اگر انقلاب در داخل مرزهای ایران بماند، توسط امپریالیست جهانی در درون خود منحط و مغفول شده و از بین می‌رود. لذا اعتقاد داشتند که انقلاب و انقلابیون باید دائماً غلیان و جوشش اولیه را داشته باشند. این روحیه البته مختص به سال‌های اولیه انقلاب بود. منتها بعدها گرایش دیگری ظهور کرد که از لزوم اصلاح در انقلاب سخن می‌گفت. این گرایش معتقد بود که یکسری روندها و اتفاقات نامیمون در مسیر انقلاب دیده می‌شود که انقلاب را از اهداف اولیه خود منحرف کرده است و لذا باید به سمت اصلاح آن انحرافات رفت. این دیدگاه بخصوص بعد از پایان جنگ برجسته شد. پس به واقع اصلاح‌طلبی اصلاح‌طلبان ایرانی را باید به نوعی بازگشت به انقلاب توصیف کرد. بیشتر صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، ویژگی اساسی انقلاب اسلامی را اصلاح‌طلبی می‌دانند و معتقدند که تبارشناسی اصلاحات در ماهیت اصلاح‌گرایانه آن جستجو می‌شود (سفیری، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۳؛ جلالی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۰؛ افروغ، ۱۳۸۰: ۲۴۷-۲۵۲). البته برخی نیز تبار اصلاحات را به انقلاب مشروطه نسبت می‌دهند. با این حال، انتخابات دوم خرداد، محصول تحولات ذهنی و عینی در

جامعه بود که اصلاح مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را طلب می‌کرد و به نظر بسیاری از صاحب‌نظران «پیام دوم خرداد پیام تغییر و دگرگونی بود» (رضوی، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

به‌واقع اصلاحات در آغاز دههٔ ۷۰ در سه عرصه دنبال می‌شد. اول رفرم دینی که نماینده آن سروش بود. ایشان با نگارش مقاله قبض و بسط و ادامه آن و بایان این مسأله که سقف شریعت بر ستون معیشت بنا شده است در جامعه واکنش برانگیخت و آغاز یک رفرم دینی را موجب شد. زمینهٔ دیگر رفرم در زمینهٔ اقتصاد صورت گرفت که هاشمی‌رفسنجانی آن را نمایندگی می‌کرد. او اعتقاد داشت که اقتصاد ایران بسیار زیاد دولتی است و لذا بازار ملی در چنین بستری نمی‌تواند شکل گیرد. از این رهگذر برنامهٔ تعدیل اقتصادی را مطرح کرد و یک رفرم اقتصادی را پیش گرفت. اصلاحات سیاسی نیز زمینه دیگر این رفرم بود که البته کم‌رنگ‌تر از دیگر زمینه‌ها بود که روزنامه سلام و هفته‌نامه عصر ما و نیز اعضای مرکز تحقیقات استراتژیک آن را دنبال می‌کردند (شبانی و حجاریان، ۱۳۸۶: ۱-۲۲). این دسته خواستار این بودند که مبانی جمهوریت را در ایران تعیین کنند، چراکه احساس می‌کردند انقلاب از جمهوریت فاصله گرفته است. قبل از انقلاب، دولت از مردم بی‌نیاز بود و لذا شکاف دولت-ملت بسیار زیاد بود. انقلاب این شکاف را کم کرد، اما در شرایط بعد از جنگ کم‌وبیش احساس می‌شد که بازهم این شکاف در حال افزایش است. می‌گویند که یک نسل دوبار انقلاب نمی‌کند و بر این مبنا تنها راه چاره اصلاحات بود. جوهر اصلاح‌طلبی اصلاح‌طلبان ایرانی کاهش شکاف دولت-ملت بود. به این ترتیب می‌توان گفت که اصلاح‌طلبان در تکمیل مسیر انقلاب گام برمی‌داشتند. بازگشت به شعارهای انقلاب مطرح نبود و زمان انقلابی‌گری پایان یافته بود (شبانی و حجاریان، ۱۳۸۶: ۱-۲۲). در عرصهٔ گفتمان، اصلاحات موفق بود و گفتمان اصلاح‌طلبی گفتار غالب جامعه ایرانی شد. در عرصهٔ تئوری هم کم‌وبیش کار شد، چه به شکل تألیف و ترجمه و چه انباشت تجارب در دانشگاه‌ها و توزیع فرآورده‌های علمی، اما عرصهٔ عمل ضعیف‌ترین دستاوردها را داشت البته به این دلیل که اصلاحات با موانع بسیار زیادی روبرو بود (شبانی و حجاریان، ۱۳۸۶: ۱-۲۲). در مجموع باید گفت که گفتمان اصلاح‌طلبی، گفتمان احیای انقلاب بوده است.

امر اصلاح‌طلبانه در گفتمان اصلاح‌طلبی و گفتمان‌های رقیب

انقلاب اسلامی در شمار انقلاب‌های اجتماعی بزرگ جای دارد، زیرا از یک‌سو، تغییر در اساس و نوع حکومت را سبب گردید و از سوی دیگر، به تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی

کشور و خط‌مشی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ابعاد داخلی و خارجی انجامید. استقرار جمهوری اسلامی، فضای جامعه مدت‌ها تحت تأثیر گفتمان «انقلاب - ضدانقلاب» قرار داشت. همه هستی و موجودیت انقلاب و به‌عبارت‌دیگر، بودن‌بود آن در گرو بسیج همه جانبه ملت برای پاسداری دستاوردهای انقلاب و مقابله با ضدانقلاب بود. در نزاع بین گفتمان ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی، این گفتمان مکتبی، انقلابی یا خط‌امام بود که برای سالیانی فضای ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. هر گفتمان سیاسی حاوی اصول و قواعدی است که کنش سیاسی را متصور می‌سازند، تغییرات گفتمانی لازمه تحول در آن کنش‌ها و رفتارهاست. ساختار سیاسی حوزه‌ای است که در پرتو گفتمان شکل می‌گیرد و با تغییر گفتمان‌ها، ساختارها دگرگون می‌شوند و از درون تعیین می‌یابند (بشیریه، ۱۳۹۴: ۶۲).

آنچه به‌وضوح در ادبیات سیاسی یک قرن اخیر کاملاً روشن است آن است که همیشه در برابر گروهی که خواهان برقراری نظم سیاسی کاملاً مبتنی بر انگاره‌های مألوف بوده‌اند، گروهی نیز با چشمی خیره بر سامان‌یابی دیگران انگشت حیرت به دندان گرفته‌اند و خواهان برقراری نظم و آدابی بر نوع انگاره‌های آنان بوده‌اند. سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی به‌ویژه برنامه‌های آزادسازی اقتصادی آثار دوگانه داشت: اول از هم پاشیدن ائتلاف هاشمی و جناح راست و دوم به راه انداختن چرخ لنگ اقتصاد ایران، اما همین سیاست تعدیل اقتصادی زمینه تعارض و کشمکش را فراهم کرد (عظیمی‌دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). گفتمان سازندگی از سیاست‌های خصوصی‌سازی حمایت می‌کرد. خصوصی‌سازی مبتنی اصول و قواعد لیبرالی و از لوازم آن تغییر در ارزش‌های جامعه اسلامی به شمار می‌رود. گفتمان سازندگی با تکیه بر دال توسعه اقتصادی، اقتصاد اسلامی را در هیئت اقتصاد باز و سیاست بازار آزاد دگرگون و آن را در نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی ساختارشکنی کرد (عظیمی‌دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). گفتمان سازندگی با دال مرکزی توسعه اقتصادی سعی می‌کرد عناصر شناوری همچون عدالت را به عنوان هفته‌ای که مفهومی اقتصادی داشت و مدلولش بیشتر متوجه طبقه محروم بود، همسو با نظام معنایی گفتمانش با مفهومی مبتنی بر توسعه اقتصادی، خصوصی‌سازی و بازار آزاد و سرمایه‌گذاری را در مفصل‌بندی خود بگنجانند (بشیریه، ۱۳۹۴: ۸۵).

بنابراین دولت خاتمی زمانی شکل گرفت که رویکرد تکثرگرایی سیاسی و فرهنگی در حال رشد و نمو بود. گفتمانی که بر پایه‌های توسعه اقتصادی دولت سازندگی قرار داشت، دال‌های خویش را در یک مفصل‌بندی وارد فضای اجتماع کرد و بر اثر فروشکنی و فروپاشی آنچه

گفتمان سازندگی به ویژه توسعه اقتصادی، فضای سیاسی بسته و سرخورده بودن مردم پیشه خود ساخته بود توانست سیطره خود را هژمونی بخشد. یک قشر متوسط مرفه‌ای که با توسعه اقتصادی سازندگی سر برآورده بود توانست با در اختیار گرفتن فضای جامعه نظم معنایی مورد نظر خویش را با نگاهی سلبی و ایجابی به عنوان یک گفتمان مشروع بقبولاند. با اینکه گفتمان سازندگی دارای نقطه ضعف‌های همچون بیگانگی با فرهنگ، یک‌سویه کردن و شتابان بودن بود (افروغ، ۱۳۸۰: ۲۴۹). اما این به تنهایی برای ناکارآمدی آن کفایت نمی‌کند. علاوه بر ناکارآمدی گفتمان سازندگی و تئوری‌پردازی‌های نواندیشان دلیل دیگر این بود که خاتمی منتقد وضع موجود و منادی دگرگونی‌های اساسی به‌ویژه در عرصه سیاسی و فرهنگی تلقی می‌شد. وجود زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جهانی باعث شد که مردم ایران در سال ۱۳۷۶ به‌خصوص اقشار جوان، نوجوان و زنان و دانشجویان به سیدمحمد خاتمی رأی قاطعی بدهند. رویکرد اصلاحات، پرچم‌دار جریان راه سوم و دستیابی به ترکیب و تلفیق و گزینشی معقول از عناصر مثبت فرهنگ و تمدن غرب و قسمت کارآمد سنت و تمدن ایرانی - اسلامی است.

به‌رغم برخی دستاوردهای مثبت این گفتمان، اشکالات عدیده‌ای بر آن وارد بود؛ در این گفتمان، «دین و معنویت» به دلیل غلبه نگاه سکولار باید به حاشیه رانده می‌شد و تمام تلاش مسئولان مصروف «آوردن دموکراسی بر سر سفره مردم» می‌شد. تورم، گرانی، رکود واحدهای تولیدی، تعطیلی کارخانه‌ها، افزایش بیکاری و بی‌توجهی به سازندگی و آبادانی کشور، فهرستی از ایرادهای وارد به این گفتمان بود. هرچند رهبری تلاش کرد مانند گفتمان سازندگی، اصلاحات را بومی و آن را از اصلاحات آمریکایی و بدلی تفکیک سازد، رادیکال‌ها مجال اصلاح را از مقامات و مسئولان عالی‌رتبه گرفته بودند و گفتمان که به دنبال مشارکت مردم در اداره امور بود، با رویگردانی مردم روبرو شد (دارابی، ۱۳۸۱: ۱۰). باوجوداین، عناصر مهم گفتمان اصلاح‌طلبی را می‌توان در پیوند با عناصر گفتمان انقلاب اسلامی و امر انقلابی قرار گرفته است.

دال مرکزی گفتمان اصول‌گرا، دقیقاً نقطه مقابل دال مرکزی گفتمان اصلاح‌طلب قرار گرفته است. اصلاح‌طلبان با تأکید بر «مردم»، به دنبال نوعی مشروعیت‌بخشی از پایین به بالا بودند که براساس آن، مردم واسطه مشروعیت یافتن حاکم از سوی خداونداند. درحالی که تعبیر اصول‌گرایان از «ولایت» به گونه‌ای است که نقش مردم تنها کشف مصداق ولایت و ضرورت اطاعت است و مردم نقش مشروعیت‌بخشی ندارند. اصول‌گرایان نهی تنها اقدام به ساختارشکنی دال مرکزی اصلاح‌طلبان نمودند، بلکه دال‌های شناور دیگر را نیز موردتوجه قرار دادند. یکی از این دال‌ها

«آزادی» بود (قائم‌طلب، ۱۳۸۹: ۴۵). دال شناور «ارزش‌ها» دال دیگری بود که اصول‌گرایان از آن به خوبی در برابر اصلاح‌طلبان استفاده کردند. ارزش‌ها، دال مبهمی است که دارای قابلیت انعطاف‌پذیری زیادی است و وقتی در کنار دال دیگر، یعنی «تهاجم فرهنگی» قرار گرفت، از همان ابتدای ورود اصلاح‌طلبان به عرصه رقابت‌های سیاسی، به اسلحه بسیار کارآمدی برای مقابله با اصلاحات سیاسی و فرهنگی اصلاح‌طلبان تبدیل شد، به نحوی که اصلاحات، مساوی با تهاجم فرهنگی و نابود شدن ارزش‌ها قلمداد شد.

رابطه امر انقلابی و امر اصلاح‌طلبانه

گفتمان اصلاحات با نظام معنایی که مبتنی بر مردم‌سالاری بود، وارد میدان شده و خود را هژمونیک ساخت؛ به عبارت دیگر، دال مرکزی مردم در نظام معنایی گفتمان اصلاحات به دال‌های دیگر این گفتمان معنا می‌دهد؛ از این رو دال مرکزی گفتمان رقیب را که ولایت بود؛ با قرائتی نو از اسلام‌گرایی در قالب مردم‌سالاری دینی به چالش کشید. در این راستا، تلاش برای برجسته‌سازی عناصری از اسلام که سازگاری بیشتری با مباحث نواندیشی دینی و تجدد دارند؛ انجام گرفت. گسترش این تفکر با پشتوانه مبنای نظری، تلاش برای ساختار شکنی رویکردهای اقتدارگرایانه از اسلام را در رأس برنامه‌های خود قرار داد. بدین ترتیب با چینش دال‌های مهمی چون قانون، آزادی، جامعه مدنی، اصلاحات و توسعه سیاسی پیرامون خود، برای احیای ارزش‌های انقلابی قرار گرفته در حوزه گفتمان انقلاب و نیز اصلاح وضع موجود پا به عرصه انتخابات نهاد. در چارچوب گفتمان اصلاح‌طلبی، انقلاب اسلامی به عنوان حرکتی معرفی می‌شود که دارای جهت‌گیری دموکراتیک با حفظ ارزش‌های اسلامی است؛ از این رو گفتمان اصلاح‌طلبی همواره می‌کوشد تا در مقابل گفتمان رقیب که سعی در به حاشیه‌رانی جمهوریت نظام دارد؛ آن را حفظ نماید. از نظر منادیان این گفتمان، جمهوریت و مردم جزء لاینفک نظام بوده و با هرگونه حاشیه‌رانی و کم‌رنگ نمودن آن، نظام از اهداف و آرمان‌های خویش دورافتاده و از محور کمال خارج می‌شود. از این رو، خاتمی اظهار می‌دارد:

معتمد که موفقیت یا ناکامی ملت و انقلاب و جریان اصلاحات را، در میزان رسیدن به این هدف و یا دور شدن از آن باید جستجو کرد (خاتمی، ۱۳۸۰: ۲۶).

در این بخش به بررسی ارتباط مؤلفه‌های اصلاح‌طلبی با عناصر و مؤلفه‌های انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

روایت و قرائت اصلاح طلبی از انقلاب اسلامی به ماهیت، هویت اسلامی و فراملی انقلاب ایران و اهداف و آرمان‌های آن باور دارد و بر آنها تأکید می‌کند. چون:

انقلاب، انقلاب اسلامی است و طبیعی است که هدف‌ها باید برآمده از بینش و منش اسلامی باشد. البته لزومی ندارد همه هدف‌ها، هدف‌های دینی باشد، اما باید با مبانی و معیارها، ارزش‌ها و اصول دینی سازگار باشد (خاتمی، ۱۳۷۰: ۱۸۰). یکی از عناصر گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام‌خواهی است. زیرا: «انقلاب اسلامی دعوتی است برای احیای دین و حاکمیت و بینش و منش اسلامی» (خاتمی، ۱۳۷۰: ۲۷). عدالت‌خواهی یکی از انگیزه‌های مردم برای انقلاب بود؛ به طوری که «عدالت» از محورهای اصلی انقلاب اسلامی بوده است (خاتمی، ۱۳۷۰: ۱۹۹). در حوزه سیاست خارجی نیز، استقلال طلبی به عنوان یکی از اهداف سیاست خارجی تعریف و تعقیب می‌شود. چون کسب استقلال یکی از ارزش‌هایی است که انقلاب اسلامی برای کسب آن به وقوع پیوست.

یکی از اصول ما این است که هیچ انسانی در هیچ کجای جهان نباید محروم باشد و حقوق هیچ ملتی نباید پایمال شود. این اصل مقدسی است که ما برایش انقلاب کرده‌ایم و به آن پایبند هستیم (خاتمی، ۱۳۷۰: ۲۷). سلطه‌ستیزی به عنوان یک هدف و آرمان انقلاب اسلامی پیگیری می‌شود. چون در قالب این خرده گفتمان:

جمهوری اسلامی ایران خواستار زندگی مسالمت‌آمیز براساس عدالت و احترام متقابل است. ایران اسلامی اندیشه و پندار سلطه‌طلبی را نمی‌پذیرد و خود نیز قصد سلطه‌طلبی ندارد... ما با جهان تک‌قطبی به این معنا که یک قدرت به خاطر برخورداری از امکانات مادی بخواهد خواست‌ها و سیاست‌های خود را به دنیا تحمیل کند، به شدت مخالفیم... (خاتمی، ۱۳۷۹/۰۴/۰۵).

تفسیر و خوانش گفتمان اصلاح طلبی از انقلاب اسلامی، کاملاً آزادمنشانه و آزادی خواهانه است. به گونه‌ای که خاتمی استدلال می‌کند: «آزادی یکی از هدف‌های بزرگ انقلاب کبیر اسلامی بود و مردم خواستار این بودند که آزادی از هر جهت بسط یابد و نهادینه شود» (خاتمی، ۱۳۷۰: ۲۷). بنابراین در این گفتمان، مردم‌سالاری دینی و آزادی‌خواهی در قالب توسعه سیاسی بیش از سایر عناصر قوام‌بخش گفتمان انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و تقویت می‌شود. چون:

انقلاب اسلامی در جهت داشته و باید داشته باشد. یکی، بازآوردن تعبیر و روایتی از دین است که دین‌داری را با آزادی توأم کند. این است جهتی که انقلاب اسلامی می‌خواهد و برایش تلاش می‌کند و ... انقلاب ما، انقلاب دموکراتیک بود (خاتمی، ۱۳۸۶: ۴۱۰).

بحث دیگری که از سوی اصلاح‌طلبان به‌ویژه شخص خاتمی مطرح شد، بحث جامعه مدنی بود. ایشان ریشه جامعه مدنی را در مدینه‌النبی می‌دانست، درحالی که روشنفکران به او اعتراض می‌کردند که جامعه مدنی، آنی نیست که به آن توجه شده است (امیری، ۱۳۸۶: ۵۲). اصلاح‌طلبان و نوگرایان دینی درباره جامعه مدنی و سازگاری آن با جامعه دینی و حکومت اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی همچون سازگاری، عدم سازگاری و سازگاری در صورت تعدیل معنای حکومت دینی و دین‌داری مطرح کردند. بیشتر نوگرایان دینی به همراه تمام لیبرال‌ها و اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و شمار اندکی از دین‌مداران استدلال می‌کردند که بستر، خاستگاه، مبنا و معنای دو مفهوم با هم متفاوت است و بالتبع میان این دو ناسازگاری وجود دارد. از نگاه آنها، جامعه مدنی، غربی و بر ارزش‌ها و اخلاق لیبرالی دلالت می‌کند و در صورت تحقق آن، شهروندان می‌توانند در همه امور زندگی خود، بی‌هیچ حدودمرزی جعل قانون کنند (رضادوست و فاضلی‌پور، ۱۳۹۴: ۵).

از شعارها و پیام‌های دوم خردادی‌ها، اصلاحات، قانون‌گرایی و نهادینه کردن آن و نیز احیای اصول متروکه قانون اساسی بود. از نگاه اصلاح‌طلبان، در قانون اساسی ظرفیت گسترده و خاصی تعبیه شده است که با استفاده از آن می‌توان از خود قانون اساسی هم فراتر رفت. اصلاح‌طلبان در کنار شعار قانون‌مداری پی‌درپی بر اصلاح قوانین تأکید می‌کردند و معتقد بودند برای اصلاح برخی قوانین باید مبارزه سیاسی و فکری راه بیندازند. این اصلاح و تغییر تنها درباره قوانین عادی نبود، بلکه قانون اساسی را هم دربرمی‌گرفت. از نگاه تجدیدنظرطلبان، قانون اساسی جمهوری اسلامی افزون بر آنکه دربردارنده دیدگاه‌های متناقض است، نگاه پلورالی، پذیرش تکثر حقایق، مبانی حقوق بشر و آزادی را به رسمیت نمی‌شناسند (امیری، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۵).

اصلاحات در این معنا به هیچ‌وجه قانون‌گرایی و حرکت در چارچوب قانون اساسی نیست، بلکه حرکت در جهت تغییر لیبرالی و پلورالی قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی بود که از سوی نوگرایان دینی، به اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب سفارش می‌شد. حمله به اعتبار قانون اساسی به‌وسیله نوگرایان سبب شد اصلاح‌طلبان با شعارهایی همچون حاکمیت دوگانه، جمهوریت و

اسلامیت، گفتمان تغییر قانون اساسی را برجسته سازند (جلایی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵). به دنبال مطرح کردن نارسایی در قانون اساسی و برجسته کردن آنها، شماری، آشکارا خواهان حذف عنوان اسلامی از قانون اساسی بودند و برخی نیز تحقق اصلاحات را درگرو فراندوم و تغییر قانون اساسی می‌دانستند:

خواسته محوری امروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و روش‌های اصلاح‌طلبی، همه‌پرسی درباره قانون اساسی کنونی و اصول آن و اصلاح قانون اساسی است (باقی، ۱۳۸۳: ۴۷۲).

اگرچه گفتمان همه‌پرسی و فراندوم در ابتدا به‌وسیله نوگرایان دینی، افرادی از ملی‌مذهبی‌ها و مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور مطرح شد، ولی به مرور در میان اصلاح‌طلبان به‌ویژه طیف تجدیدنظرطلب، با استقبال ویژه‌ای روبرو شد و درنهایت، نتایج و پیامدهایی منفی برای آنها به بار آورد (امیری، ۱۳۸۶: ۱۷۷). گفتمان اصلاح‌طلبی همچون سایر گفتمان‌ها در درون گفتمان انقلاب اسلامی قرارگرفته است و از آنجا که گفتمان انقلاب اسلامی نشان داده که برطرف‌کننده نیازهای روز مردم جهان است؛ زیرا در پی هر نیازی که جامعه احساس می‌کند گفتمان انقلاب اسلامی خود را به‌روز می‌نماید تا آن نیاز را برطرف کند. بنابراین می‌توان بین گفتمان اصلاح‌طلبی و امر انقلابی رابطه‌ای برقرار نمود که در آن تلاش شده است تا به اصلاح مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه و در قالب گفتمان کلی انقلاب اسلامی پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی تحولات مفهومی امر انقلابی در گفتمان اصلاح‌طلبی انجام گرفت و تلاش شد تا به این مسأله که امر انقلابی در گفتمان اصلاح‌طلبی چه تغییراتی یافته است و چه رابطه‌ای بین امر انقلابی و امر اصلاح‌طلبی وجود دارد، پاسخ داده شود. دراین‌راستا، نظریه گفتمان لا کلاؤو و موف به‌عنوان رویکرد نظری پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. از نظر لا کلاؤو و موف امور اجتماعی و سیاسی و به‌طورکلی جهان واقعیت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند و گفتمان‌ها به فهم ما از جهان شکل می‌دهند. هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرارگیرد. بنابراین گفتمان، کلیت ساختاردهی شده‌ای است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود. آنچه‌ان که در مورد گفتمان

انقلاب اسلامی می توان گفت که حضور امام خمینی از زمان شکل گیری آن به خاطر ویژگی های کاریزماتیک وی ، عامل اصلی حفظ انسجام درونی چنین گفتمانی بود. پایان جنگ و فقدان شخصیت کاریزمایی امام، پیامدهای مهمی داشت و به تدریج منجر به پیدایش گفتمان های مختلف همچون محافظه کار و اصلاح طلب شد. در این دوران، گفتمان های موجود در اجتماع گفتمانی و نیز قدرت سیال در اجتماع با مفصل بندی های تازه در سایه زنجیره هم ارزی موجود در گفتمان جمهوری اسلامی با حفظ استقلال خود سعی بر تسلط در اجتماع گفتمانی را داشتند و این روند دموکراسی کثرت گرای رادیکال در ایران همچنان به حیات خود ادامه می دهد و پیوسته بلوک های موقت گفتمانی را شکل می دهد. تا زمانی که امام در قید حیات بودند شخصیت کاریزمای ایشان به گفتمان جمهوری اسلامی هویت و معنا می بخشید و دال های آن را با اسلام و جمهوریت مفصل بندی می کرد، اما پس از رحلت امام، راه برای برداشت ها و تفاسیر متفاوت و مختلف از گفتمان امام باز شد. نتیجه این تفاسیر مختلف، شکل گیری دو طیف سیاسی رقیب با عنوان اصول گرا و اصلاح طلب بود که طیف اصول گرا، دال اسلامیت را برجسته تر کرد و تفسیری به اصطلاح اصول گرایانه از آن ارائه داد، اما در طیف اصلاح طلب، با از حاشیه درآوردن دال جمهوریت از حوزه گفتمان گونگی به شرح و بسط بیشتر آن پرداخته شد. گفتمان اصلاح طلبی با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ مورد توجه قرار گرفت و فضای جدیدی را در جامعه ایران به وجود آورد. گفتمان اصلاح طلبی بر اثر کم توجهی های گفتمان سازندگی به موضوع های فرهنگی و اجتماعی و توسعه سیاسی به وجود آمد و قدرت اجرایی کشور را به دست گرفت و نوعی هژمونی حاصل شد. گفتمان اصلاح طلبی با به کارگیری دال های آزادی، قانون، توسعه سیاسی، جامعه مدنی، حول دال مرکزی مردم، نظام معنایی را شکل داد و بر اساس آن سعی کرد ساختار معنایی گفتمان اصول گرایان را در هم شکند. در دوران حاکمیت گفتمان اصلاح طلبی، امکانات زیادی در جهت تحقق جامعه مدنی فراهم شد، اما مواعی نیز در این مسیر بود که جلوی تحقق جامعه مدنی را می گرفت که از مواعی موجود می توان به عدم نهادینه شدن سازمان ها و نهادها اشاره کرد که اگرچه گفتمان اصلاح طلبی خواستار این نهادمندی بود، اما مواعی ساختاری بسیاری در جامعه ایران دارای قدرت بودند و در این مسیر اختلال ایجاد کردند که نتیجه آن، تغییرات اساسی جامعه ایران در دوران احمدی نژاد است. اصول گرایان سعی کردند با ایجاد مفصل بندی جدید و افزودن دال هایی چون عدالت، امنیت، روحانیت، ارزش ها، تهاجم فرهنگی و ... حول دال مرکزی ولایت، نظام معنایی خود را شکل

داده و بدان واسطه دال مرکزی و دال‌های شناور اصلاح‌طلبان را ساختارشکنی کنند. در گفتمان اصلاح‌طلبی، تغییراتی در عناصر انقلاب اسلامی شکل گرفت و به‌جای توجه به برخی اصول همچون عدالت‌محوری، مردم‌سالاری به‌عنوان دال اصلی مدنظر قرار گرفت، اما این بدان معنا نبوده که امر انقلابی به کل از بین رفته است و توجه به عناصر دیگری مدنظر بوده است، بلکه بدان معناست که گفتمان اصلاح‌طلبی به جای تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون عدالت‌محوری، به عناصری همچون مردم‌سالاری، آزادی، توسعه سیاسی، قانون‌مداری و تساهل توجه بوده است. در واقع امر اصلاح‌طلبانه ناشی از گفتمان اصلاح‌طلب به معنای دگرگونی نبوده است و در اصل به معنای تغییراتی به ویژه در ساختار سیاسی و جهت توسعه سیاسی بوده است. همین امر موجب شده تا در عین تمایز بین مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان اصلاح‌طلبی، بین این دو روابط مستقیمی برقرار باشد و گفتمان اصلاح‌طلبی جزئی از گفتمان انقلاب اسلامی محسوب گردد و بر عناصری خاص تأکید نماید که موجب تمایز آن با گفتمان انقلاب اسلامی و سایر گفتمان‌های موجود همچون سازندگی، اصول‌گرایی و اعتدالیون گردد. با وجود اینکه گفتمان اصلاح‌طلبی امکانات زیادی برای تحول در جامعه ایجاد کرد، اما نتوانست در مقابل موانع شکل گرفته پیروز شود و در سال ۸۴ با شکست در انتخابات مواجه شد و جای خود را به گفتمان جدیدی در کشور داد.

منابع

- آرت، هانا. (۱۳۸۱) انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
- آشوری، داریوش. (۱۳۶۸) «نظریه غربزدگی و بحران تفکر در ایران»، مجله ایران‌نامه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان، صص ۴۵۴-۴۶۰.
- اخوان‌کازمی، بهرام. (تابستان ۱۳۹۱) «نقد و تحلیلی بر علل ظهور و افول گفتمان اصلاح‌طلبی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۳-۲۶.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۸) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس، چاپ پنجم.
- افروغ، عماد. (۱۳۸۰). چالش‌های کنونی ایران، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

- امیری، جهاندار. (۱۳۸۶) اصلاح طلبان تجدیدنظر طلب و پدر خوانده‌ها. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- امینی‌نژاد، محمد. (۱۳۹۷) «واکاوی امکان‌ها و امتناع‌های گفتمان‌های اصلاح طلب و اصول‌گرا در گسترش جامعه مدنی (۱۳۹۲-۱۳۷۶)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و الهیات.
- ایزدی، رجب و امیر رضایی‌پناه. (بهار ۱۳۹۲) «مبانی اجتماعی و اقتصادی در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۴، صص ۴۷-۷۴.
- باقی، عمادالدین. (۱۳۸۳) جنبش اصلاحات دموکراتیک در ایران، تهران: نشر سرایی، چاپ اول.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۹) نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- _____ (۱۳۹۴) دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات نگاه معاصر، چاپ هشتم.
- بهروزلک، غلامرضا و غلامرضا ظابط‌پور. (تابستان ۱۳۹۱) «چالش‌های نظری عدالت اجتماعی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران»، مجله علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۵۷، صص ۱۰۳-۱۳۶.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹) جامعه‌ای امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۳) گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران: نشر مؤسسه تحقیقات و توسعه انسانی، چاپ اول.
- _____ (بهار ۱۳۸۵) «خاتمی، اجتماع و سیاست»، نشریه آیین ششم، سال ۷، شماره ۶، صص ۲۵-۴۶.
- جلالی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۷۹) دولت پنهان: بررسی جامعه‌شناختی عوامل تهدید جنبش اصلاحات، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- جلالی‌پور، حمیدرضا و مجید فولادیان. (بهار ۱۳۸۷) «شرایط شکل‌گیری یا افول رهبری کارزمایی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۴، صص ۷-۳۸.
- جوادی، غلامرضا. (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان سیاسی بر مبنای روزنامه‌های شرق و کیهان در

- نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- حاج حسینی، بهاره و عزت‌الله سام‌آرام. (تابستان ۱۳۹۳) «تحلیل گفتمان دولت اصلاحات و جایگاه فقرزدایی در آن»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۸، شماره ۲۱، صص ۱-۲۴.
- حاضری، علی محمد، ابراهیم ایران‌نژاد، مصطفی مهرآیین. (بهار ۱۳۹۰) «گفتمان اصلاح طلبی اسلامی در ایران پس از انقلاب»، دانشنامه علوم اجتماعی، دور، ۳، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۵۱.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۶) اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول.
- حقدار، علی اصغر. (۱۳۷۸) گفتمان فرهنگی سیاسی خاتمی: دیدگاه خاتمی در مورد مفهوم آزادی، تهران: انتشارات شفیعی، چاپ اول.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۹۰) روش شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول.
- خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۷۰) توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۰) احزاب و شوراها، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- _____ (تابستان ۱۳۷۹) «سخنرانی آقای خاتمی در اجلاسیه گفتگوی تمدن‌ها»، ماهنامه اسلام و غرب، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۳۸-۴۸.
- خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۸۰) «آسیب شناسی انقلاب: نگاهی درون‌گرایانه به چالش‌های یک انقلاب»، فصلنامه اندیشه انقلاب، شماره ۱، صص ۳۱-۵۴.
- خرمشاد، محمدباقر و همکاران. (۱۳۹۷) بازتاب انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- خلجی، عباس. (بهار ۱۳۸۶) «بنیاد نظری فروپاشی اجماع در گفتمان اصلاح طلبی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۳.
- خلیلی، رضا. (بهار ۱۳۸۷) «تبیین تحولات امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۳۷۷-۴۱۱.

- خمینی (امام) روح‌الله. (۱۳۸۹) صحیفه امام، (۲۲جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- خواجه‌سروی، غلامرضا. (پاییز ۱۳۸۷) «فراز و فرودهای گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال ۳، شماره ۶، صص ۵-۳۵.
- دارابی، علی. (۱۳۸۱) انتخاب هشتم (تحلیلی بر هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری)، تهران: نشر سیاست، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۸) سیاستمداران اهل فیضیه: بررسی، نقد، پیشینه و عملکرد جامعه روحانیت مبارز تهران، تهران: نشر سیاست، چاپ سوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۶) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- _____ (بهار ۱۳۸۸) «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجله معرفت سیاسی، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۹۴.
- رادفر، فیروزه. (۱۳۹۵) «تحول فرهنگ سیاسی ایرانیان»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم سیاسی.
- رحیمی، علیرضا و محمود کتابی. (زمستان ۱۳۹۳) «گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۳۱-۶۶.
- رضادوست، کریم و سیده منافاضلی پور. (۱۳۹۴) «تحلیل جامعه‌شناختی گفتمان اصلاح طلبی و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی ایران»، تهران: کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- رضایی، حسن و بهزاد نظری. (بهار ۱۳۹۴) «مشارکت سیاسی در گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی»، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۵-۲۶.
- رضوی، مسعود. (۱۳۷۹) جامعه مدنی، دوم خرداد خاتمی: گفت و گوهایی با اندیشمندان معاصر ایران، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول.
- رمضان‌ی، روح‌الله. (۱۳۸۰) چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طبیب، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۸) فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، چاپ دهم.

- سفیری، مسعود. (۱۳۷۸) دیروز، امروز و فردای جنبش دانشجویی ایران، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۹۴) قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- شبانی، مریم و سعید حجاریان. (تابستان ۱۳۸۶) «اصلاحات، احیای انقلاب بود»، مجله شهروند، سال ۵، شماره ۳۶، صص ۱-۲۲.
- شکوهی، علی. (تابستان ۱۳۷۹) «جناح‌های سیاسی: ریشه‌های پیدایی و مواضع کنونی»، مجله رویارویی اندیشه‌ها، سال ۵، شماره ۵، صص ۱۹۹-۳۶۳.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۹۴) گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- عظیمی‌دولت‌آبادی، امیر. (۱۳۸۷) منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- فخرزاد، آرمان. (۱۳۹۰) تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات یار، چاپ اول.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسه پیران، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول.
- قائمی‌طلب، محبوبه. (۱۳۸۹) «بررسی تطبیقی دو گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی با تأکید بر سیاست خارجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳) چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- کردونی، روزبه. (بهار ۱۳۸۸) «مقایسه جایگاه رفاه در گفتمان دولت سازندگی و اصلاحات»، پژوهشنامه مجلد، سال ۵، شماره ۶، صص ۶۵-۱۱۴.
- کاظمی، اخوان. (تابستان ۱۳۸۸) «آسیب‌شناسی گفتمان اصلاح‌طلبی»، نشریه زمانه، سال ۵، شماره ۸۱، صص ۶۳-۷۱.
- کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۱) گفتمان از سه منظر جامعه‌شناختی، فلسفی و زبان‌شناختی، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- لاکلاو، ارنستو و شانتال موف. (۱۳۹۲) هژمونی و استراتژی سوسیالیستی: به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال، ترجمه محمد رضایی، تهران: انتشارات ثالث، چاپ اول.
- مارش، دیوید، استوکر، جری. (۱۳۹۳) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد

- حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- متقی، ابراهیم و داریوش پیری. (تابستان ۱۳۹۶) «الگوی رفتار نخبگان در دولت سیدمحمد تقی خاتمی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۲، صص ۴۸۹-۵۰۷.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۳) جایگاه روحیه عدالت خواهی در هویت ملی ایرانیان، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، چاپ اول.
- مقدمی، محمدتقی. (بهار ۱۳۹۰) «نظریه تحلیل لاکلاو و موفه و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۱-۱۲۴.
- میرزایی، محمد، علی ربانی خوراسگانی. (زمستان ۱۳۹۴) «تحلیل تقابل گفتمانی اصول گرایی و اصلاح طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، مجله جامعه‌شناسی کار بردی، دوره ۲۶، شماره ۴، صص ۴۵-۶۸.
- ولی‌پور، حسین. (۱۳۸۳) گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- هنری، یدالله و علی آزرمی. (بهار ۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل فرآیند استقرار و انسجام یابی گفتمان انقلاب اسلامی براساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸، صص ۹۵-۱۱۸.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۹۲) نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal. (1985) *Hegemony and Socialist Strategy*, London, Verso
- ————. (2001) *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, (2nd. Ed). London: Verso.